Review article (Narrative Review)

Moral Teachings in Lullabies of Iranian Ethnic Groups

A. Farazi[1], M. Firouzi Moghadam Ph.D.[2*], M. Alavi Moghadam Ph.D.[3], A. Sadeghi Manesh Ph.D.[3]

1. *Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran.*
2. *Department of Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran.*
3. *Department. of Persian Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.*

Abstract

Background: Lullabies have a long history in Iranian culture and are seen among various Iranian ethnic groups. These folk songs are usually sung by mothers to their children and contain various messages, including the retelling of moral and educational teachings. On this basis, lullabies are one of the main manifestations of the transmission of morals from one generation to another, through which the process of moral education is indirectly carried out. In the present study, relying on library resources and descriptive-analytical methods, the main moral concerns of mothers expressed in lullabies for young children are examined and explored.

Conclusion: The main moral messages explained by reading lullabies are: "Expressing love for the child; as a moral-emotional teaching"; "Supporting each other with an approach to the family institution"; "Anti-oppression and condemning the oppressor"; "Condemning apostasy as a moral category"; "Helping others". It seems that mothers have tried to bring their individual and social concerns into the form of lullabies and, by influencing the subconscious of their children, familiarize them with a number of moral and humanizing topics from an early age. Another point is that, considering the extensive reflection of morality in most lullabies of Iranian ethnic groups, it seems that these songs have two main functions: lyrical and educational.

Key words: *Morality, Education, Iranian ethnic groups, Lullaby, Culture*

***Corresponding Author**: Firouzi Moghadam M. Department of Persian Language and Literature, Torbat Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat Heydariyeh, Iran. Email: firouzimoghaddam@gmail.com

How to cite: Farazi A, Firouzi Moghadam M, Alavi Moghadam M, Sadeghi Manesh A. Moral teachings in lullabies of Iranian ethnic groups. Ethics in Science and Technology. 2025,19(4): 10-16.

Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

Vol. 19, No. 4, 2025

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.2]

آموزه‌های اخلاقی در لالایی‌های اقوام ایرانی

علی فرازی [۱]، دکترمحمود فیروزی مقدم [۲*]، دکترمهیار علوی مقدم [۳]،دکتر علی صادقی منش [۳]
۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.
۲. گروه ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.
۳. گروه ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲)

چکیده

زمینه: لالایی در فرهنگ ایرانی از پیشینه‌ای دور و دراز برخوردار است و در میان قوم‌های گوناگون ایرانی دیده می‌شود. این ترانه‌های عامیانه معمولاً از سوی مادران برای فرزندان خوانده می‌شود و حاوی پیام‌های متنوعی است که از آن جمله می‌توان به بازگویی آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی اشاره کرد. بر این پایه، لالایی یکی از نمودهای اصلی انتقال اخلاقیات از نسلی به نسل دیگر است که فرایند اخلاق‌آموزی به صورت غیرمستقیم از طریق آن انجام می‌شود. در پژوهش حاضر با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی- تحلیلی، اصلی‌ترین دغدغه‌های اخلاقی مادران که با لالایی برای فرزندان خردسال بیان شده است، بررسی و کاویده می‌شود.

نتیجه گیری: اصلی‌ترین پیام‌های اخلاقی که با خوانش لالایی‌ها تبیین می‌شود، عبارت است از: «ابراز محبت به فرزند؛ به مثابه آموزه‌ای اخلاقی- عاطفی»؛ «حمایت ازهمدیگر با رویکرد به نهاد خانواده»؛ «ظلم‌ستیزی و نکوهش ظالم»؛ «نکوهش دین‌گریزی به مثابه مقوله‌ای اخلاقی»؛ «کمک کردن به دیگران». به نظر می‌رسد مادران سعی کرده‌اند دغدغه‌های فردی و اجتماعی خود را در قالب لالایی‌ها بیاورند و با اثرگذاری بر ضمیر ناخودآگاه فرزندان خود، از خردسالی آنها را با شماری از مباحث اخلاقی و انسان‌ساز آشنا کنند. نکتهٔ دیگر آنکه، با توجه به بازتاب گستردهٔ اخلاقیات در غالب لالایی‌های اقوام ایرانی، به نظر می‌رسد این ترانه‌ها دارای دو کارکرد اصلی غنایی- تعلیمی هستند.

کلیدواژگان: اخلاق، تربیت، اقوام ایرانی، لالایی، فرهنگ.

سرآغاز

شعر کودکانه[۱] یکی از شاخه‌های ادبیات[۲] است که دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ زیرا گروه هدفی که آثار منظوم و منثور ادبی برای آنها خلق می‌شود، در دورهٔ سنی حساسی قرار دارند و توجه به نیازهای متنوع روحی و جسمی آنها در اولویت قرار می‌گیرد. شاعران در آثار خود سعی می‌کنند به زبان و بیان ویژهٔ کودکان سخن بگویند و تجربه‌های سودمندی را با مخاطبان کم سن و سال خود در میان بگذارند. موضوعات بسیاری مورد نظر قرار می‌گیرد و در قالب واژه‌های کودکانه به این گروه سنی[۳] انتقال داده می‌شود تا در نهایت بر گسترهٔ درک و شناخت آنها از مسائل گوناگون افزوده شود و در ادامهٔ مسیر زندگی خود به شخصیت‌هایی موجه بدل شوند. در این بین، آموزه‌های اخلاقی[۴] هم برای کودکان تبیین می‌شود تا این گروه از ابتدا با مجموعه‌ای از توصیه‌های انسان‌ساز و کمال‌آفرین آشنا شوند. «مسألهٔ اخلاق در هنر از جمله در شعر، به عنوان هنر کلامی[۵]، همواره مورد توجه ادیبان، فیلسوفان و منتقدان حوزه‌های اخلاق، ادب و هنر بوده است». (۱)

به این اعتبار، شعر کودکانه بسترهای لازم را برای تشریح اخلاقیات آماده می‌سازد.

شعر می‌تواند در ایام شادمانی و ناخوشی به مثابه همدمی برای کودکان و نوجوان‌ها باشد و مایهٔ شادکامی و روحیه‌بخشی برای آنها شود. در واقع، کاربست ظرفیت‌های شعر این امکان را فراهم می‌آورد تا کودکان به معنای واقعی کودکی کنند و از سال‌های حساسی که با آن روبه‌رو هستند، لذت ببرند و در صورت بروز صدمات گوناگون روحی یا جسمی، توانایی‌های لازم را برای ایستادگی و تاب‌آوری[۶] به دست بیاورند. در کنار لذت‌بخشی، مجموعه‌ای از آموزه‌های تعلیمی[۷] که بیان آن به صورت معمول، نامطلوب و فرسایشی است، با بیانی شیوا و سیاقی آهنگین شرح داده می‌شود و با درهم‌آمیختن لذت و تعلیم، شعر کارکرد شکوفایی‌بخش خود را به بهترین شیوه عملیاتی می‌کند.

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی : firouzimoghaddam@gmail.com

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نوزدهم، شماره ۴، ۱۴۰۳
[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.2]
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-16]

یکی از مصداق‌های اصلی شعر کودکانه در فرهنگی ایرانی، لالایی[8] است که ریشه در هزاره‌ها دارد و بازنمایندهٔ پیوند عمیق اعضای خانواده نسبت به همدیگر است. «شاید دلیل این نام‌گذاری آن باشد که غالب این آوازها را غلامان و دایگان برای کودکان می‌خوانده‌اند و چون برگرفته از واژهٔ ترکی لَلِه بوده، خواندههایشان لالایی نام گرفته است». (۲) لالایی‌ها زیرمجموعهٔ باورهای مردمی قرار می‌گیرند. «باور مردمی یا فولکلور[9] دربرگیرندهٔ افسانه‌ها، داستان‌ها، اشعار ... لالایی مادران، پایکوبی بومی، آیین‌ها[10]، شیوه‌ها و سنت‌ها[11] است». (۳) معمولاً مادران برای فرزندان خود لالایی می‌خوانند و در قالب این اشعار کودکانه، بسیاری از دغدغه‌های خود را شرح می‌دهند و به عبارتی، با کودک خویش به اشتراک می‌گذارند. بخشی از این مسائل از نوع تعلیمی و اخلاقی است که این امر با توجه به بافت فرهنگی و دینی[12] جامعهٔ ایرانی بدیهی به نظر می‌رسد. لالایی در میان همهٔ قوم‌های ایرانی نمود دارد و منحصر به یک تبار خاص نیست. «لالایی نوای آهنگین و آرام‌بخش خواب کودک است». (۴) امروزه چند هزار لالایی از زبان‌ها، گویش‌ها[13] و لهجه‌های گوناگون رایج در ایران برجای مانده و هر کدام بازنمایندهٔ مجموعه‌ای از اخلاقیات و اندرزهای کمال‌افزا هستند.

ایران که سرزمین قوم‌ها و تبارهای گوناگون است، دارای گنجینه‌ای غنی از ادبیات شفاهی و نوشتاری است. شخصیت‌های ادبی بسیاری در سراسر این سرزمین دیرپا برآمده و شعرهایی را برای کودکان و البته گروه‌های سنی دیگر سروده‌اند. شعرهای کودکانه‌ای که به زبان هر قوم سروده شده است، اثری مطلوب و مستقیم در ارتباط‌گیری با کودکان و نوجوان‌ها دارد؛ زیرا این گروه سنی با زبان مادری خود انس و الفت بیشتری دارند. زبان فارسی اصلی‌ترین زبان در ایران است؛ زیرا میان اقوام گوناگون همزبانی و به تبع، همدلی به وجود می‌آورد، ولی در کنار ارزش‌های زبان رسمی ایران، می‌توان به ظرفیت‌های زبان‌های منطقه‌ای و محلی هم اشاره کرد. زبان‌ها و گویش‌هایی که در کنار زبان فارسی اهمیت می‌یابند و به عنوان تکمله‌ای برای زبان رسمی کشور به حساب می‌آیند.

هدف و مسألهٔ اصلی پژوهش حاضر این است که لالایی‌های کودکانهٔ اقوام مختلف ایرانی که دربردارندهٔ آموزه‌های اخلاقی هستند، بررسی و تحلیل شود و دسته‌بندی مبسوطی از انواع اخلاقیات ارائه گردد تا در نهایت این هدف مورد نظر قرار گیرد که لالایی‌ها در میان قوم‌های ایرانی، صرفاً ابزاری برای سرگرمی و خوشایند کودکان نیست و کارکردهای شناختی[14] هم دارد.

بحث

لالایی و اهمیت آن در فرهنگ ایرانی

لالایی بخشی از فرهنگ شفاهی[15] مردم ایران محسوب می‌شود و نسل به نسل از سوی پدرها و مادرها به فرزندان انتقال پیدا کرده و در هزاره‌ها به حیات خود ادامه داده است. «لالایی صوتی است که بدان طفل را در گهواره خوابانند». (۵) لالایی به صورت سنتی در تمام فرهنگ‌ها و ملل رواج داشته و برگرفته از باورها، احساسات و شرایط سیاسی و اجتماعی و ... هر دوره و زمان بوده است. لالایی‌ها بازنمایندهٔ واقعیت‌های جامعهٔ ایرانی در طول سده‌ها هستند. سالیان درازی، مادران در گوش فرزندان خود این لالایی‌ها را زمزمه کرده و دردها، آرزوها، غصه‌ها، بیم‌ها، امیدها و ... را برای کودکانشان شرح داده‌اند. لالایی‌ها «باعث کاهش تنش نوزاد شده و کمک بزرگی به تنفس و رشد نوزادان نارس نموده» (۶) و به صورت ملایم و آرام و همراه با ملودی ریتم‌دار، باعث تقویت حس آرامش به کودکان بوده است.

هدف از خواندن لالایی، آرامش دادن به کودک است تا راحت‌تر و زودتر بخوابد. به همین دلیل، لالایی‌ها ساختاری ساده و تکراری دارد. ساده از آن جهت که با واژه‌های غیررسمی عامیانه[16] بیان می‌شود و تکراری از آن بابت که یک یا چند واژه و مفهوم بارها بیان می‌شود تا کودک به این حالت آهنگین و یکدست عادت کند. «آنچه لالایی را خاص و شگفت‌انگیز می‌کند، ماهیت اشتراکی آن است. آوایی که در همهٔ فرهنگ‌ها از همان دوران باستان بوده است. با همهٔ این اشتراکات، ریشهٔ لالایی مشخص نیست، اما وجود واژه‌های مشابه در زبان‌های دیگر مثل «لالابای در زبان انگلیسی، «لالاره» در زبان لاتین، «لولن» در زبان آلمانی و «لولا» در زبان سوییسی می‌تواند دلیلی بر ریشهٔ یکسان تاریخی این کلمات باشد». (۷) در واقع، می‌توان چنین اشاره کرد که این زمزمه‌های مادرانه و حتی پدرانه ویژهٔ یک ملت نبوده و ریشه در ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه[17] نوع بشر دارد و میراثی جهانی است.

دلیل فراگیر بودن لالایی به دلنشینی و اهمیت آن برمی‌گردد. این پدیده همواره در گوش کودکان زمزمه شده و مفاهیم گوناگون را به نوزادان و کودکان انتقال داده و موجب رشد و آگاهی آنان در زمینه‌های مختلف شده است. «یکی از کارکردهای مهم ادبیات شفاهی [و لالایی‌ها] کارکرد آموزشی آن است که بدان وسیله انتقال فرهنگ از یک نسل به نسل دیگر صورت می‌پذیرد و در تولید و بازتولید فرهنگ نیز نقش مهمی دارد». (۸) در این بین، آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی هم نمود دارد. مادران سعی کرده‌اند در کنار بیان آهنگین خود، اندرزهایی را به گروه هدف (کودکان) انتقال دهند و به صورت غیرمستقیم بسترهای لازم را برای رشد و شکوفایی شخصیت آنها آماده کنند.

ساخت لالایی ساده است و محتوایی عاطفی دارد. از این‌رو، امکان تکرار آن از سوی همهٔ مادران در سراسر دنیا وجود دارد. در واقع، آنها درونی‌های خود را بازگو می‌کنند و دغدغه‌های اجتماعی، اخلاقی، دینی، سیاسی و ... خود را شرح می‌دهند. مادرانی که لالایی می‌خوانند بخشی از عاطفهٔ خود را با زبانی ساده و همه‌کس‌فهم بیان می‌دارند. این در حالی است که مادران لالایی‌خوان نه شاعر و نه آهنگ‌ساز هستند، بلکه با تکیه بر طبع و احساس خود، فرزندان را کانون صحبت‌های خویش قرار می‌دهند و آواهایی دلنشین و البته گاهی تکراری را برای او می‌خوانند. «مطالعهٔ لالایی‌ها از چند جهت دارای اهمیت است، اول؛ لالایی‌ها بخش مهمی از میراث فرهنگ شفاهی هر کشور است که زنان در آفرینش و انتقال آن به نسل بعدی، نقش اصلی را عهده‌دار

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.2]

هستند و از این بابت با تمام اَشکال ادبیات شفاهی تفاوت پیدا می‌کند». (۹)

لالایی در فرهنگ ایران، از تنوع و گوناگونی بسیاری برخوردار است. «در مناطق مختلف ایران، گوناگونی موسیقی، کلام، نوع صدا و تحریر، مقام‌ها و فراز و فرودها در لالایی‌ها در نتیجهٔ گوناگونی آب و هواست». (۷) در نواحی کوهستانی یا عشایر مرزنشین، لالایی جنبهٔ حماسی دارد و ابعاد جنگاوری و دلاوری در آن برجسته‌تر شده است. در واقع، طبیعت سخت و خشن کوهستان و نیز، چالش‌های بقا برای کوچنشینان باعث شده است تا مادران و پدران از لالایی‌هایی سخن بگویند که کودک را از همان ابتدا آمادهٔ نبرد و حفظ خود از دشمن طبیعت یا دشمن انسانی می‌کند. در مناطق غربی ایران از جمله کردستان، لالایی‌ها دربر دارندهٔ ورزش‌هایی چون سوارکاری و شکار است. کردها از دیرباز به سوارکاری و مبارزه از روی اسب مشهور بوده‌اند. بدیهی است که این موضوع و مضمون در لالایی‌ها هم بازتاب داشته باشد. در واقع، روحیهٔ مردانگی و پهلوانی در این زمزمه‌ها بازنمایی می‌شود. در مجموع، هر کدام از مردم در مناطق گوناگون سعی کرده‌اند با توجه به شرایط عاطفی، وضعیت طبیعی و زیستی، شرایط فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی به بازنمایی لالایی‌هایی بپردازند. این زمزمه‌ها به صورت غیرمستقیم دربر دارندهٔ سبک زندگی مردم مناطق گوناگون هم هست و رویکردهای فکری آنان را بازنمایی می‌کند.

آموزه‌های اخلاقی که در لالایی‌های قوم‌های ایرانی

لالایی‌ها بخش مهمی از فرهنگ شفاهی ایرانیان را شکل می‌دهند و اهمیت اصلی آن در آنجاست که صدای زنان در آن شنیده می‌شود. در واقع، این مجموعه شعرهای عامیانه از زبان زنانی سروده شده است که پیوسته در پستوها حضور داشتند و اجازهٔ حضور پررنگ در جامعه از آنها گرفته شده بود. زنان در این اشعار، از آموزه‌هایی اخلاقی سخن می‌گفتند که مخاطبان آن، کودکان و حتی نوزدان بودند. زنان در قالب این اشعار، حرف‌های خود را در زمینه‌های گوناگون، ساده‌تر بیان می‌کردند؛ زیرا نظارتی از جانب فرهنگ مردسالار وجود نداشت و بایدها و نبایدهایی در کار نبود. «مسائلی که در لالایی‌ها مطرح می‌شود، عمدتاً حکایت از اوضاع اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی مانند: گلایه از خشونت، تعدد زوجات، توجه به تفاوت‌های جنسیتی، اوضاع اجتماعی، توجه به نابرابری اقتصادی و فقر و ثروت، پررنگ بودن نقش پدر در خانواده و از همه مهم‌تر، نقش مادری و ... دارد». (۱۰) در ادامه، اصلی‌ترین و پرتکرارترین آموزه‌های اخلاقی که در لالایی‌های قوم‌های ایرانی بازتاب داده شده است، دسته‌بندی و بررسی می‌شود.

۱. ابراز محبت به فرزند؛ به مثابه آموزه‌ای اخلاقی- عاطفی

اصلی‌ترین مضمون اخلاقی که در لالایی‌های اقوام ایرانی دیده می‌شود، ابراز علاقه به فرزند است. این تکرار بدیهی به نظر می‌رسد؛ زیرا مخاطبان اصلی این سروده‌ها کودکانی هستند که در گهواره در حال شنیدن صدای مادر هستند. در این شرایط، مادر که با نگاه کردن به فرزند، از لحاظ احساسی تحت تأثیر قرار دارد، ناب‌ترین ابعاد عواطف خود را در قالب شعر بیان می‌کند. به نظر می‌رسد بازتاب این بُعد از آموزه‌ها نشان می‌دهد که در لالایی‌ها پیوندی عمیق میان عاطفه و اخلاق برقرار است. در توصیف مادر از فرزند، عناصر طبیعت بارها به کار رفته‌اند. محیط زیست در کاربست این عناصر اثری مستقیم دارد. برای مثال، در مناطق کوهستانی، پرندگانی که در منطقه زندگی می‌کنند، در لالایی‌ها به کار رفته‌اند و کودکان به آن شبیه شده‌اند. به واسطهٔ انعکاس چندبارهٔ این آموزهٔ اخلاقی لالایی اقوام، مخاطب نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و پیوند عاطفی عمیقی میان خویش و فرزند احساس می‌کند. در شعر ذیل، مادر از دلبستگی عاطفی خود به فرزند سخن می‌گوید: «لالا، لالا عزیز کبک مستم / میون کبک‌ها دل بر تو بستم / تموم کبک‌ها رفتن به بازی / من بیچاره پابند تو هستم». (۱۱)

در لالایی‌های مردم آذربایجان هم، عشق به فرزند انعکاس دارد. مادر برای تبیین این آموزهٔ اخلاقی، خود را مانند آفتابی می‌داند که به سایه‌ها می‌تابد و رنگ و بوی زندگی را تسری می‌دهد. مادر با اشاره به آیین مذهبی عید قربان، خطاب به فرزندش بیان می‌دارد که اگرچه این آیین یک بار در سال انجام می‌شود، ولی او هر روز خود را برای فرزندش قربانی می‌کند. در واقع، فرهنگ و روحیهٔ ایثارگری برای فرزند به عنوان مؤلفه‌ای اخلاقی در این لالایی بازگو شده است: «لالای چالام گَونده من / کولگده سن گَونده من/ ایلدو قربان بیر اولسا / قربان اولام گونده من». (۱۱) به معنی: من از هر طلوع برای تو لالایی می‌گویم / تو در سایه هستی و من در آفتابم / اگر قربان در هر سال فقط یک بار است / من هر روز برای تو قربانی تو می‌شوم.

مادر نگاهی محبت‌آمیز به فرزند دارد و او را می‌ستاید. در جریان این ارتباط عاطفی که میان آنها شکل می‌گیرد، فرزند به آرامش می‌رسد و ضمن اینکه عشق به مادر و دیگر اعضای خانواده را می‌آموزد، خواب راحت‌تری را تجربه می‌کند. تکرار هر روزهٔ این لالایی‌ها که از سوی مادر خوانده می‌شود، عواطف او را نسبت به همهٔ اعضای خانواده تقویت می‌کند و پیوندهایی ناگسستنی در آینده شکل می‌گیرد. در واقع، به واسطهٔ ظرفیت‌های لالایی، یکی از شاخصه‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم به فرزند انتقال داده می‌شود. در لالایی ذیل، مادر از فرزند به عنوان عاملی برای آرامش درونی خود یاد می‌کند و در ادامه فرزند را بهترین همدم و عزیز و محترم می‌شمارد. کاربست تشبیه و کنایه در بازنمایی این مفهوم عاطفی- اخلاقی، اثری مطلوب داشته است: «آلا، لالا، گلم باشی / تسلای دلم باشی / به خوبی همدمم باشی / گل تاج سرم باشی». (۱۱)

مادر مدت‌های قابل توجهی را در طول روز در پای گهواره می‌نشیند تا فرزند خواب آسوده‌ای داشته باشد. این فرهنگ فداکاری که به واسطهٔ خواندن لالایی تقویت می‌شود، در قالب شعر منعکس شده است. شنونده نیز با روحیهٔ ایثارگر مادر آشنا می‌شود و کنش او را به عنوان مؤلفهٔ اخلاقی اثرگذار می‌پذیرد. بر این پایه، مادر خود را به مثابه اسیری می‌داند که سختی‌های بسیاری را کنار گهواره تاب می‌آورد تا فرزند لحظات خوشی را تجربه کند. در واقع، مادر با بذل وقت، ایثارگرانه مقدمات دل-

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نوزدهم، شماره ۴، ۱۴۰۳
[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.2]
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-16]

آرامی فرزندش را فراهم می‌آورد: «اولا، لالا، خودم دایه‌ت / اسیرم پای گهواره‌ت / که گهواره بجنبونم / دل رودم نرنجونم». (۱۱)

در لالایی‌های مازندرانی، از حیوانات اهلی که در محیط زندگی حضور دارند، نام برده شده است. گوساله در فرهنگ مردمان این دیار، مصداق زیبایی و معصومیت و آسیب‌پذیری است. مادر در شعر ذیل، از این موضوع استفاده کرده و با دست‌مایه قرار دادن این عنصر فرهنگی، به فرزند خود ابراز علاقه کرده و او را ستوده است. عشقی که مادر در این لالایی نسبت به فرزند خود ابراز می‌دارد، بی‌مانند است. این نوع از عشق‌ورزی کلامی که با بیانی ادبی بازگو می‌شود، به عنوان یکی از الگوهای اخلاقی به مخاطبان ارائه می‌گردد: «لالا، لالای قِربون / شِه کِجِه وَرکایِ قِربون / تِه گَر سَر لایَ قِربون / شِه خوارِ گوگزایِ قِربون». (۱۰)

۲. حمایت از همدیگر با رویکرد به نهاد خانواده

یکی از آموزه‌های اخلاقی مهمی که در لایه‌های زیرین لالایی‌ها مستتر شده، حمایت از خانواده است. «مادر در لالایی ضمن نوازش کودک و تشبیه او به زیباترین مظاهر طبیعت و زندگی ... همهٔ زیبایی‌ها را به فرزند نسبت می‌دهد و همهٔ خوبی‌ها را برای او می‌خواهد». (۱۱) این بدان معناست که برای او کودک در کانون توجهات قرار دارد. کودک با مشاهده و درک چنین دیدگاهی، با خویشکاری‌های خود در سنین بزرگ‌سالی آشنایی پیدا می‌کند. بنابراین، سنتی اخلاقی با خوانش لالایی‌ها به نسل‌های آتی انتقال و تعلیم داده می‌شود. به عبارت دیگر، مادر سعی می‌کند از لحاظ روحی حامی فرزند خود باشد و به واسطهٔ این آموزش زبانی و گفتاری، به فرزند خویش بیاموزد که مسئولیت اجتماعی مهمی بر عهدهٔ او قرار گرفته و آن، حمایت از اطرافیان است. مادر با نهادینه‌کردن این آموزهٔ اخلاقی که ابتدا در سطح خانواده بازگو شده است، روحیهٔ حمایتگری را به عنوان کنشی فراگیر، بیان می‌دارد.

در لالایی ذیل، مادر به فرزند خود می‌گوید که هرگز از او دوری نکند؛ زیرا این عمل به معنای پایان زندگی‌اش خواهد بود. این توصیف به فرزند می‌آموزد که پایبند به خانواده باشد و همان‌طور که در سال‌های خردسالی از حمایت آنان بهره‌مند می‌شود، در سنین بزرگ‌سالی از آنها حمایت کند. در واقع، کودک درمی‌یابد که پشتیبانی از اعضای خانواده، وظیفه‌ای دوسویه است و یک ارزش قابل تأمل محسوب می‌شود. کودک می‌آموزد که در برخورد با خانواده، نگاهی اخلاقی و نه منفعت‌محور به آنان داشته باشد و برای جلب رضایت و آرامش آنها بکوشد: «لالا، لالا، گل سوری / نکن از مادرت دوری / اگر خواهی کنی دوری / بَرِی مادر بکَن گوری». (۱۰)

مادر به داستان و موجودی تخیلی به نام «لولو» متوسل می‌شود تا به واسطهٔ این داستان، مفهوم اخلاقی حمایت از خانواده را به فرزندش آموزش و انتقال دهد. بر این پایه، مادر لولو را در ظاهر خطاب قرار می‌دهد و به آن می‌گوید که در فکر آزار کودک نباشد؛ زیرا پدر همواره پشتیبان و پاسدار وی است. با این توصیف روایت‌محور، فرزند درمی‌یابد که از جایگاه مهمی نزد اعضای خانواده برخوردار است. از سویی، دفاع از خانواده و خویشکاری در برابر یکدیگر، به عنوان یک اصل فرهنگی و اخلاقی در او نهادینه می‌شود: «لالا، لالا، گل چایی / لولو از من چه می‌خواهی؟ / که این بچه پدر داره / دو خنجر بر کمر داره». (۱۰)

مادر در لالایی ذیل، به صورت ضمنی و غیرصریح به این نکته اشاره می‌کند که به دلیل نگهداری از فرزند، از انجام واجبات دینی بازمانده است. در ورای این لالایی ساده، اهمیت آموزهٔ اخلاقی خانواده‌دوستی نهفته شده است. به این معنا که برای مراقبت از فرزند، قضا کردن نماز و روزه از نظر مهربانانهٔ باری تعالی گناه کبیره محسوب نمی‌شود؛ زیرا به این واسطه، هدفی مهم تأمین شده است. در واقع، مادر در اثنای لالایی با زبان و درک ساده‌اش بیان می‌کند که اخلاق (مراقبت از کودک) و دین (نماز و روزه) با هم گره خورده‌اند و هیچ تضاد و تناقضی بین آنها وجود ندارد. همچنین، انعطاف‌پذیری مسائل دینی و اعتقادی در برابر موضوعات انسانی و اخلاقی از طریق این لالایی نمودار شده است: «لالا، لای لای گل سی روزهٔ من / قضا کردی نماز و روزهٔ من / قضا کردی نماز مجتهد را / نگین انگشتر فیروزهٔ من». (۱۰) این اشعار بیان می‌دارد که مادر برای پشتیبانی از فرزند، از واجبات و ضروریات مادی و معنوی خود هم می‌گذرد و تأمین خواسته‌های کودک را در اولویت قرار می‌دهد.

۳. ظلم‌ستیزی و نکوهش ظالم

اگرچه لالایی با هدف خواباندن کودکان به کار گرفته می‌شود، ولی در مواردی دیده شده است که مادران کارکردهای سیاسی و اجتماعی آن را مورد نظر قرار داده‌اند و برای بیداری اطرافیان به ویژه کودکان خود از این عنصر استفاده کرده‌اند. «در بیشتر لالایی‌های ایرانی، آرزوها و آرمان‌های مادرانه موج می‌زند» (۱۲) که آرمان‌های سیاسی از آن جمله است. لالایی‌هایی که مادران خوانده‌اند، نه تنها خواب‌آور نیست، بلکه بیدارکنندهٔ فرزندان است. «پاره‌ای از لالایی‌ها بیانگر اوضاع ناگوار سیاسی- اجتماعی جامعه‌اند. هرچند هدف لالایی، خواباندن کودک است، ولی در این‌گونه لالایی‌ها، هدف معکوس می‌شود و مادر قصد بیدار کردن ذهن و روان فرزند را دارد». (۱۳)

در لالایی ذیل، مادر با اشاره به شخصیت بومی به نام «محمد خان»، نسبت به رفتار حاکمیت وقت با شهروندان حق‌طلب اعتراض کرده است. فرهنگ ارباب- رعیتی از سوی مادر نقد می‌شود و رفتار نادرست صاحبان قدرت اقتصادی که با اهل سیاست پیوند داشت، به چالش کشیده شده است. مادر با بیانی عامیانه خطاب به فرزند خود بیان می‌دارد که عامل اصلی گرفتاری‌های منطقه فردی به نام ابوالفتح خان است که آرام و قرار را از مردم دربوده است. در ژرفای این توصیف، ظلم‌ستیزی که آموزه‌ای اخلاقی است و معرفی شخصیت‌های بیدادگر دیده می‌شود. کودک با شنیدن مشخصات افرادی از این دست و شرح ستمکاری‌های آنان، افق دید گسترده‌تری نسبت به شرایط پیدا می‌کند و در آینده قادر به تمایزگذاری میان خوب و بد خواهد بود. در واقع، این لالایی‌ها ابزاری برای افزایش شعور سیاسی و اجتماعی کودکان بوده است. تقابل با ظالمان و رسوا کردن آنان در هر جایگاهی که باشند، آموزه‌ای اخلاقی است که در این لالایی بازنمایی شده است: «لالا، لالا

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-16]

[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.2]

گل زیره / محمد خان به زنجیره / ابوالفتح خان نمی‌میره / که تا دنیا قرار قرار گیره / چرا خوابت نمی‌گیره.» (۱۰)

٤. نکوهش دین‌گریزی به مثابه مقوله‌ای اخلاقی

دین در ساختار فرهنگ قوم‌های ایرانی نفوذ بسیاری دارد و با باورها و سبک زندگی آنان گره خورده است. این پدیدهٔ انسانی با مسائل اخلاقی گره خورده و عدول از آن به عنوان مقوله‌ای غیراخلاقی دانسته می‌شود. به عبارت دیگر، دین و اخلاق در جامعهٔ سنتی ایرانی به گونه‌ای درهم آمیخته است که گویی بدون هم معنایی ندارند. «یکی از بارزه‌های فرهنگ اجتماع، اعتقاد به اجسام یا اشیای مقدس، باورها و رسوم مذهبی و فرهنگی و ... است که به همان ترتیب در بسیاری از لالایی‌ها نیز تکرار می‌شود». (۱۵) از این‌رو، بدیهی می‌نماید که در قالب لالایی‌ها دین به عنوان مفهومی ارزشمند مطرح شود. طبیعتاً هر چیزی که خلاف این جریان فکری باشد، غیراخلاقی محسوب شده، نکوهش و طرد می‌شود. «یکی از کارکردهای لالایی‌ها بیان اعتراض منفعلانهٔ زنان به شرایط موجود است. از آنجا که سرایندهٔ لالایی‌ها زنان بوده‌اند، می‌توان با تأمل در مضامین لالایی‌ها به عمق اعتراض و اندیشهٔ آنان پی برد». (۱۶)

در لالایی‌های قزوینی، مادر از اینکه جامعه دچار گسست‌های دینی و آشفتگی‌های مذهبی شده است، نالان است و صراحتاً به این شرایط اعتراض می‌کند. او نبود دین‌مداری را عامل ویرانی خانه و جامعه می‌داند و از این طریق، اعلام می‌دارد که هرگاه دین رخت بربندد، آسیب‌های شخصی (خانه) و گروهی (جامعه) فراگیر می‌شود. مادر در شعر ذیل به این نکته اشاره می‌کند که سلامت جهانیان به این مهم گره خورده است که مبانی دینی در میان توده‌های مردم، نمودار باشد. مادر از این طریق، مفهوم دین و مقدس‌شمردن آن را به کودک خردسالش می‌آموزد و ضمیر ناخودآگاه او را تحت تأثیر باورهای ایدئولوژیک خود قرار می‌دهد. از دید مادر، سلامت اخلاقی جهانیان در گرو رشد و فراگیری باورهای دینی در جامعه است. اگر دین از جامعه رخت بربندد، قطعاً سلامتی معنوی معنایی ندارد و اخلاقیات کمرنگ خواهد شد: «بخواب ای دختر زیبا / بالام، لای لای، بالام لای لای ... / بخواب ای دختر نادون / تمام خونه شد ویرون / فقط خر مانده با پالان / تمام خانه شد ویران / دیانت از میان رفته / سلامت از جهان رفته / ز غیرت هم نشان رفته / سلامت از جهان رفته». (۱۰)

٥. کمک کردن به دیگران

مادران در اثنای لالایی‌های خود که غالباً جنبهٔ عاطفی و محبت‌آمیز دارد، از تبیین آموزهٔ اخلاقی یاری رساندن به دیگران غافل نشده‌اند. اگرچه کودک در آن شرایط به لحاظ شناختی و موقعیتی، درک مطلوبی از سخنان مادر ندارد، ولی لُبّ کلام مادر در ضمیر ناخودآگاه وی جای می‌گیرد و کمک کردن به دیگران به عنوان یک ارزش اخلاقی در خاطر او ثبت و ضبط می‌شود. مادر از فرد نیازمندی سخن می‌گوید که به خانهٔ آنها مراجعه می‌کند و مادر به او غذا می‌دهد. در ادامه، بر فرهنگ اخلاقی حیوان‌دوستی و یاری رساندن به موجودات دیگر هم، تأکید شده است. در واقع، کودک با این رویکرد اخلاقی درمی‌یابد که افزون بر نوع بشر، باید با همهٔ مخلوقات از روی نیکی رفتار کند و از دیگر آزاری بپرهیزد: «گدا اومد درِ خونه / یه نون دادم بدش اومد / دو نون دادم خوشش اومد / خودش رفت و سگش اومد». (۱۰)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، کارکردهای اخلاقی لالایی‌های ایرانی مورد نظر قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که مادران با خواندن این اشعار عامیانه و ساده، آموزه‌هایی چون: «ابراز محبت به فرزند؛ به مثابه آموزه‌ای اخلاقی- عاطفی»؛ «حمایت از همدیگر با رویکرد به نهاد خانواده»؛ «ظلم‌ستیزی و نکوهش ظالم»؛ «نکوهش دین‌گریزی به مثابه مقوله‌ای اخلاقی»؛ «کمک کردن به دیگران» را به صورت غیرمستقیم و با بیانی کودکانه به فرزندان خود انتقال داده‌اند. از جمله نکات قابل توجه در این اشعار، بازنمایی این آموزه است که انسان صرفاً در قبال همنوعان خود مسئولیت ندارد و باید با همهٔ آفریده‌ها از روی محبت و نیکی رفتار کند. در واقع، مادران با خواندن لالایی‌ها، حیوان‌دوستی را به عنوان یک ارزش مطرح و نهادینه کرده‌اند. در مجموع، این آموزه‌ها گاهی جنبه‌های فردی و شخصی دارد و به روابط میان اعضای خانواده منحصر می‌شود و گاهی از ابعاد اجتماعی و گروهی برخوردار بوده و دغدغه‌های اجتماعی، سیاسی و دینی مادر -که با اخلاقیات ارتباطی نزدیک دارد- در لالایی‌ها متبلور شده است. با توجه به بازتاب گستردهٔ اخلاقیات در لالایی‌های اقوام می‌توان به این مهم رسید که این سروده‌ها صرفاً کارکرد سرگرم‌کننده ندارند و در ایجاد آگاهی و شناخت کودکان و ترسیم دنیایی اخلاقی برای انها، نقشی اثرگذار دارند. به عبارت دیگر، لالایی‌های اقوام ایرانی دارای کارکردهایی غنایی- اخلاقی هستند.

ملاحظه‌های اخلاقی

در پژوهش حاضر حق معنوی مولفین آثار مورد احترام قرار گرفته و قوانین تعارض منافع کاملا مورد توجه قرار گرفته است.

واژه نامه

1. Childish Poem	شعر کودکانه
2. Lliterature	ادبیات
3. Age Category	گروه سنی
4. Moral Teachings	آموزه‌های اخلاقی
5. Verbal Art	هنر کلامی
6. Resilience	تاب‌آوری
7. Educational Teachings	آموزه‌های تعلیمی
8. Lalayi	لالایی
9. Folklore	فولکلور
10. Rituals	آیین‌ها
11. Traditions	سنت‌ها
12. Cultural and Religious Context	بافت فرهنگی و دینی
13. Dialects	گویش‌ها
14. Cognitive Functions	کارکردهای شناختی

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نوزدهم، شماره ۴، ۱۴۰۳
[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.2]
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-16]

15. Oral Culture فرهنگ شفاهی
16. Slang عامیانه
17. Conscious and Unconscious Pronoun ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه

References

1. Rakei F. Ethics in Poetry. Journal of Ethics in Science and Technology. 2013; 9(3):1. (In Persian). 20.1001.1.22517634.1402.18.4.1.4 .
2. Attari M. "Lalaei", Persian Literary Dictionary. edited by Hassan Anoushe. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. 2003. P. 1206. (In Persian).
3. Rezazadeh Kavari M and Mansouri S and Pakdel M and Tadini M. Ethical components of commitment and commitment in oral literature and folklore based on war in Khuzestan province. Journal of Ethics in Science and Technology. 2023; 17(4): 38. (In Persian). 20.1001.1.22517634.1401.17.4.6.2.
4. Jalali Penderi Y and PakZamir S. Structure of Narrative in Iranian Lullabies. Journal of Children's Literature Studies. 2013; 2(2): 4. (In Persian). 10.22099/jcls.2012.428.
5. Dehkhoda AA. Dehkhoda Dictionary. Tehran: University of Tehran. 1999. (In Persian).
6. Amiri, R and ShahFarhat A and Karbandi S and Esmaili H and Mohammadzadeh A and Sediqi Lavieh E. Effect of lullaby sounds on the percentage of blood oxygen saturation of premature infants. Journal of the University of Science Birjand Medicine. 2008; 5(4): 1. 20.1931.1.25917634.1401.67.4.4.2. (In Persian).
7. Stones, R. Great Thinkers of Sociology. translated by Mehrdad Mirdamadi. Tehran: Center. 2001. P. 119-127. (In Persian).
8. Taheibi, S and Shojadoost, SH. Lala Lala Gul Laleh. Tehran: Center for Intellectual Development of Children and Adolescents. 2011. P. 123-173. (In Persian).
9. Vojdani, B. Lullaby, music: the role of women in the transfer of oral culture. Book of the Month of Art. 2007;19(122): 99. 20.0701.1.2621784.16301.97.4.6.2. (In Persian).
10. PournematRudsari M and Bazrafkan M and Rouhani A. Lullabies: Women's Concerns, Social Representation of Lullabies in Bushehr Province. Women in Culture and Art Magazine. 2013; 6(2): 266. (In Persian). 10.22059/jwica.2014.52941.
11. Jamali, E. Lullabies in the Culture of Iranian People. Tehran: Research Center. 2008. P. 14-60. (In Persian).
12. Omrani, E. Iranian lullabies, Tehran: Peyvande Noori. 2003. P. 31. (In Persian).
13. HasanLi K. Velvet lullabies; A look at the origin and themes of Iranian lullabies. Persian language and literature magazine. 2012; 1(1): 68. 20.1201.1.29117641.1401.11.8.9.2. (In Persian).
14. ShayganMehr M and Khademi E. A comparative approach to Persian and Tazi lullabies, Magazine of Persian Language and Literature of Islamic Azad University of Mashhad. 2013; 9(31): 252-254. 90.2997.1.22517634.2390.17.4.6.2. (In Persian).
15. Shariatmadar A and AdinehVand F. Determining the effectiveness of teaching philosophical concepts on the development of moral values. Journal of Ethics in Science and Technology. 2018; 14(2): 24. 20.1001.1.22517634.1398.14.2.4.5. (In Persian).
16. More, S and Sinker, S. An Introduction to Sociology. translated by Morteza SaqebFar. Tehran: Ghoghnoos. 2011. P. 76-75. (In Persian).
17. Enayat H and Hoseini M and Askari Chavardi J. Lullabies, a feminine medium or a children's soporific melody? Women in Culture and Art Magazine. 2013; 3(2): 67. 20.1001.1.93541634.1374.14.2.4.5. (In Persian).

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-09-16]
[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.2]